

بتول ۲۳ ساله و نازنین زهرا ۱۸ ماهه در مشهد سلاخی شدند

مردی که با بیش از ۸۰ ضربه چاقو، همسر و دختر ۱۸ ماهه اش را سه طرز فجیعی کشته بود، در اعترافات تکان دهنده خود، عقده های دوران کودکی و وابستگی همسرش به گوشی تلفن را انگیزه جنایت هولناک خود ذکر کرد.

عصر سیزدهم آبان بود که مرد جوانی هراسان خود را به منزل برادرزنش در منطقه طرق رساندا! و به شدت در حیاط را کوبید! در این هنگام مرد ۳۰ ساله که متوجه صدای در شده بود، با سر و وضعی خون آلود در منزل را گشود! شوهر خواهر «جواد-ک» با دیدن این صحنه خون آلود، خود را به درون پذیرایی انداخت واز آن چه می دید، شوک زده، در جا میخکوب شد! «بتول-ک»: زن ۲۳ ساله و نازنین زهرا (دختر ۱،۵ ساله) با ضربات متعدد چاقو و به طرز فجیعی به قتل رسیده بودند.

گزارش خراسان حاکی است؛ مرد جوان با دیدن این صحنه وحشتناک، بلافاصله با نیروهای انتظامی تماس گرفت و بدین ترتیب دقایقی بعد قاضی ویژه قتل عمد به همراه کارآگاهان اداره جنایی پلیس آگاهی خراسان رضوی عازم محل وقوع جنایت شدند. تحقیقات مقدماتی و میدانی قاضی «کاظم میرزایی» نشان می داد که مرد ۳۰ ساله به دلیل اختلافی خانوادگی با همسرش، او را با وارد آوردن بیش از ۸۰ ضربه چاقو در حالی به قتل رسانده است که تیغه یک چاقو به دلیل برخورد با استخوان های زن ۲۳ ساله کج شده و او از جاقوی دیگری برای کشتن همسر و همچنین دختر کوچکش استفاده کرده است. این مرد سنگدل همچنین با تیغ ریش تراش نیز گلولی فرزند و همسرش را بریده و سپس دست به خودکشی زده بود!

بنابراین گزارش، با انتقال اجساد قربانیان این حادثه به پزشکی قانونی، «جواد-ک» نیز برای مداوا به بیمارستان امدادی مشهد اعزام شد. تا این که وی روز گذشته پس از بهبودی نسبی روی تخت بیمارستان، راز این جنایت هولناک را فاش کرد.

متهم به قتل سه قاضی کاظم میرزایی گفت: از دوران کودکی و به ویژه از زمانی که پدر و مادرم از یکدیگر طلاق گرفتند، عقده های روانی من هم شکل گرفت به طوری که هر روز بر این عقده ها افزوده می شد و من با افسردگی دست و پنجه نرم می کردم. در این اثنا وقتی



جسد نازنین زهرا در بیمارستان

سر پسر ۸ ساله اش را برید تا برای موتورش قربانی کند!

مردی با پلیس تماس گرفت و ادعا کرد بچه اش را دزدیده اند. وقتی این مرد بازجویی شد گفت:من با چند جوان دعوا کردم و آنها را با چاقو زدم آن مردان بچه ام را ربودند.

با این ادعاها پلیس به تحقیقات میدانی دست زد و پی برد این مرد دروغ می گوید و اصلا در جایی که ادعا می کند درگیری ای رخ نداده است.

عمه کودک در این مرحله رازگشایی کرد و گفت برادرش شیشه ای بوده و زنش را طلاق داده است و نمی داند برادرش راست می گوید یا خودش کاری کرده است.

ساعتی بعد جنازه کودک که سرش با چاقو بریده شده بود پیدا شد و قاتل که کسی جز پدرش بود اعتراف کرد بچه ۸ ساله اش را برای موتورش قربانی کرده است.

پرونده این قتل هولناک پس از کارشناسی پلیس به دادگاه کیفری استان تهران ارجاع داده شد و قاتل به تحمل ۱۰ سال زندان محکوم شد.

طبق قانون پدر در صورت قتل فرزند قصاص نمی شود و تنها باید تا ۱۰ سال در زندان بماند.

بزرگ ترین اشتباه من در زندگی این بود که خیلی راحت به هرکسی اعتماد می کردم و با او دوست می شدم بدون این که شناختی از آن فرد یا خانواده اش داشته باشم همین اخلاق من باعث شد که صندوقچه اسرارم را نزد یکی از دوستانم فاش کنم تا جایی که همین موضوع زندگی مرا در آستانه نابودی قرار داد.

زن جوانی که با شکایت همسایه آپارتمان نشین به کلاتری احضار شده بود درحالی که بیان می کرد فقط لج و لجبازی و افشای سَرِ دیگران موجب از هم پاشیدن دو خانواده شده است به تشریح ماجرای ارتباط شیطانی و چگونگی افشای اسرار گذشته پرداخت و به کارشناس اجتماعی کلاتری میرزا کوچک خان مشهد گفت: بعد از به دنیا آمدن دختر کوچکم همسرم نیز با پایان یافتن پروژه عمرانی که در آن کار می کرد بیگار شد به همین دلیل مجبور شدیم دست نیاز به سوی خانواده هایمان دراز کنیم اما این بیکاری حدود ۲۰ ماه طول کشید بنابراین تصمیم گرفتیم یک واحد آپارتمانی نقلی اجاره کنیم چرا که دیگر توان پرداخت اجاره سنگین را نداشتیم وقتی به محل جدید نقل مکان کردیم فهمیدم که همسایه واحد رو به روی زنی هم سن و سال خودم است. خیلی از این موضوع خوشحال

شدم و بلافاصله ارتباطم را با «سپیده» برقرار کردم ولی همسرم راضی به این رفت و آمد نبود چرا که اختلافات خانوادگی ما از زمان بیکاری همسرم شدت گرفته بود و ما مدام با یکدیگر مشاجره داشتیم و او نمی خواست همسایگان در جریان اختلافات ما قرار بگیرند با وجود این من نیاز به کسی داشتم که سنگ صبور باشد و بتوانم با او درد دل کنم. رفت و آمدهای من و سپیده هر روز بیشتر می شد به طوری که تبدیل به دو دوست صمیمی شده بودیم و ساعت های زیادی را با یکدیگر می گذراندیم این اعتماد و صمیمیت تا آن جایش رفت که دیگر صندوقچه اسرار و خاطرات گذشته را برای هم بازگو می کردیم حتی از ارتباطات قبل از ازدواج نیز با یکدیگر سخن می گفتیم تا این که روزی من به اتفاق یکی از بستگانم به کافی شاپ رتمف و از سپیده هم خواستم همراه ما به کافی شاپ بیاید ولی هنوز چند دقیقه بیشتر از حضورمان در آن کافی شاپ نگذشته بود که سپیده و «سلیمان» با هم گرم گفت و گو شدند

دردسر دردناک در ازدواج سوم راننده بازنشسته

و بعد هم روی ریل قطار رهایم کردند، اما وقتی دیدند قطاری رد نمی شود تصمیم گرفتند من را به بیمارستان برسانند. من از همسرم و برادر و برادرزاده اش شکایت دارم و درخواست مجازات آنها را دارم.

در ادامه، همسر منم در جایگاه قرار گرفت. او گفت: ۱۴ سال قبل من و همسرم ازدواج کردیم. او همسر اولش را طلاق داده بود و دو بچه داشت و من هم بچه ها را عین بچه های خودم بزرگ کردم و حتی با اقوام من ازدواج کردند. خودمان هم یک دختر ۱۲ساله داریم که حالا به دلیل وضعیت زندگی مان دچار افسردگی و استرس شده است. ما در این سال ها به ترکیه رفت وآمد داشتیم و حتی همسرم آنجا خانه خرید و چند سالی آنجا زندگی کردیم. در ترکیه با خانواده ای آشنا شدیم و رفت وآمد داشتیم، شوهرم از زن خانواده که بسیار جوان بود، خوشش آمد. این زن ۳۱ ساله بود و شوهر من ۲۰ سال از او بزرگ تر بود. شوهرم آنقدر به این رابطه ادامه داد تا زندگی زن با شوهرش به هم خورد و او از شوهرش جدا شد تا با شوهر من ازدواج کند.

منم گفت: من هم قصد ادامه دادن به زندگی با مردی را که به من خیانت کرده نداشتم، از او خواستم مهریه و حقت و حقوقم را بدهد تا من جدا شوم. او یک روز به بهانه اینکه می خواهد چیزی به نام کند، من را به محضر کشید تا امضا بدهم. آنجا از من امضا گرفت که مهریه را دریافت کرده ام، درحالی که هیچ مهریه ای به من نداد و بعد هم ادعا کرد حالا که امضا کردی دیگر کاری نمی توانی بکنی. من زیر بار نرفتم و تصمیم گرفتم از حتم نگذریم و گفتم تا زمانی که

هیچ فایده ای نداشت. دیگر حتی اخلاق و رفتار سلیمان با من هم فرق کرده بود به طوری که سلیمان فقط به بهانه دیدار با سپیده به منزل ما می آمد و من از این موضوع زجر می کشیدم تا جایی که بی پرده به سلیمان گفتم بین من که فامیل نزدیک او هستم و سپیده یکی را انتخاب کن. او هم سپیده را انتخاب کرد و از من دلخور شد، در همین روزها بود که سپیده برای انتقام از من همه خاطرات گذشته ام را برای سلیمان بازگو کرده بود این ماجرا موجب شد تا اختلاف شدیدی بین من و سپیده به وجود بیاید. در این میان سلیمان هم به طرفداری از سپیده همه آن چه را درباره من شنیده بود برای شوهرم بازگو کرد. این گونه زندگی من بیشتر آشفته شد و در آستانه نابودی قرار گرفت و آبرویم نزد فامیل به خطر افتاد به همین دلیل من هم نسنجیده در پی انتقام از او برآمدم و همه گذشته اش را برای شوهرش بازگو کردم تا این که به ناچار کار به شکایت کشید. شایان ذکر است با راهنمایی های سرهنگ حمیدرضا علایی (رئیس کلاتری میرزا کوچک خان) و تلاش های کارشناسان دایره مشاوره و مددکاری دو همسایه مذکور شکایت از یکدیگر را پس گرفتند تا از این پس به هرکسی اعتمادی بی جا نکنند.

دردسر دردناک در ازدواج سوم راننده بازنشسته

حق و حقوقم را ندهی من جدا نمی شوم.

او درباره روز حادثه گفت: شب بود و برادرم و برادرزاده ام در خانه ما بودند. من صدایی شنیدم و بیرون رفتم و دیدم که شوهرم خون آلود روی زمین افتاده است. از برادرم و برادرزاده کمک خواستم، او را به بیمارستان رساندیم و هزینه اش را دادیم تا خوب شود اما حالا شکایت کرده و با این ترفند می خواهد من را قانع کند که طلاق بگیرم. او احتمالا از طرف شوهر سابق همسر سومش مورد حمله قرار گرفته است، و ما در این درگیری نقشی نداشتیم.

سپس برادرزاده زن که منم ردیف دوم بود، در جایگاه قرار گرفت و گفت: من درخانه عمه ام بودم و قرار بود شب بمانم چون او تنها بود یکدفعه عمه ام فریاد زد که کمک خواستم وقتی بیرون رفتم دیدیم شوهر عمه ام خون آلود در پارکینگ افتاده است. او را به بیمارستان رساندیم، پدرم در بیمارستان ماند و من و عمه ام به خانه برگشتیم، چون دختر عمه ام در خانه تنها بود. ما هیچ نقشی در مجروح شدن این مرد نداشتیم. سپس برادرزن مرد شاکی که منم ردیف سوم بود، در جایگاه قرار گرفت. او گفت: من همه کار برای خواهرم کردم و حالا هم فرزندش را بزرگ می کنم و در خانه من زندگی می کند. من در اختلاف خواهرم با شوهرش دخالتی نمی کردم و این گفته ها اصلا درست نیست و قبول ندارم. مرد شاکی مقابل خانه خواهرم آمد اما وقتی رسید مجروح شده بود و ما کمکش کردیم که زنده بماند.

با پایان گفته های متهمان و وکلای آنها، قضات برای صدور رأی دادگاه وارد شور شدند.

زن یزیدی قربانی جراحی زیبایی پاهایش شد!

معاونت درمان دانشگاه علوم پزشکی یزد با اشاره به انتشار خبری با عنوان «عمل لاغری در یزد قربانی گرفت» گفت: دلایل مرگ این زن میانسال در سازمان نظام پزشکی یزد در حال بررسی است و بعد از نتیجه گیری رسمی اعلام می شود.

پیرو انتشار خبری مبنی بر مرگ زن میانسال در یکی از بیمارستان های خصوصی استان روابط عمومی معاونت درمان دانشگاه علوم پزشکی شهید صدوقی به خبرنگار -منطقه یزد، اظهار کرد: انجام عمل ساکنشن یا همان لاغری ران پا در یکی از بیمارستان های خصوصی یزد منجر به فوت زن میانسال شد.

وی با بیان این که این زن هشت ساعت پس از عمل جراحی و بستری فوت کرده است، افزود: پرونده فوت وی جهت بررسی به پزشکی قانونی ارسال و دلایل علمی در حال بررسی است.

این معاونت، اعلام نهایى دلیل مرگ این بیمار را مستلزم ثبت نهایی بررسی های سازمان نظام پزشکی دانست و گفت: خانواده متوفی بعد از اعلام رسمی دلایل مرگ می توانند برای شکایت اقدام کنند. با وجود پیگیری های مستمر هنوز دانشگاه علوم پزشکی یزد هیچ اطلاعات تکمیلی دیگری در مورد مشخصات این بیمار فوت شده اعلام نکرده است

پدر و مادر مقصر مرگ آرتین ۲ ساله در دیگ قرمه سبزی!

کمیسون سه نفره کارشناسان دادگستری پدر و مادر کودک ۴ ساله ای را که در دیگ قرومه سبزی افتاده بود به یک اندازه در مرگ وی مقصر شناخت.

۲۷ اسفند سال گذشته مأموران کلاتری ۱۴۵ ونک در تماس با بازپرس کشیک قتل پایتخت از سقوط مرگبار کودکی چهار ساله در دیگ قرومه سبزی خبر داد. به دنبال اعلام این خبر تحقیقات از سوی بازپرس شعبه چهارم داسرای امور جنایی تهران آغاز شد.

در بررسی های صورت گرفته مشخص شد پدر و مادر آرتین از هم جدا شده و پسر کوچولو آخر هفته نزد مادرش بوده است، اما در یک لحظه پسرک داخل دیگ قرومه سبزی رستوران پدربزرگش می افتد. به دنبال مرگ کودک چهار ساله بازپرس محسن مدیر روستا دستور تشکیل کمیسون رسمی دادگستری را صادر کرد.

هیأت یک نفره پدر بزرگ آرتین را در این ماجرا مقصر دانست، اما با اعتراض پدربزرگ سه حکم، این بار کمیسون سه نفره تشکیل شد و در نهایت کارشناسان، مادر را ۵۰ درصد و پدر آرتین را نیز ۵۰ درصد در این حادثه مقصر دانستند. با اعلام این موضوع پدر آرتین به نظریه هیأت سه نفره اعتراض کرد و بررسی ها در این خصوص ادامه دارد.

کودک ۶ساله ۱۴ روز در خانه جهنمی اسیر مردان شوم بود!

به گزارش رکتنا، سردار رضا بنی‌اسدی‌ فر گفت: با اعلام گروهان‌گیری دختر بچه‌ی شش‌ ساله به پلیس شهرستان جیرفت تیم‌های تخصصی پلیس بلافاصله وارد عمل شدند و تحقیقات خود را آغاز کردند. وی افزود: با توجه به حضور و اختفای گروهان‌گیران در شهر کرمان مأموران پلیس آگاهی استان با انجام تحقیقات تکمیلی و کار اطلاعاتی موفق شدند در اکثری از دو هفته مخفیگاه مجرمان را شناسایی و طی عملیاتی پنج نفر را دستگیر کنند و این کودک خرسال را به آغوش خانواده بازگردانند.

فرمانده انتظامی استان کرمان بیان کرد: در روند این ماجرا پدر و یکی از اقوام دیگر این دختر بچه نیز توسط همین افسراد به گروهان گرفته شده بودند که آنان هم قبل از این از چنگ گروهان‌گیران آزاد شدند.